

## آیا امام (ره) رای مردم را از عوامل مشروعيت نظام می دانستند؟

از آن جا که مساله مشروعيت حکومت دینی در اندیشه سیاسی اسلام از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار است، به گونه ای که ارزش بودن حکومت و حقانیت آن بر اساس تحقق مشروعيت آن محک زده می شود، لذا از مسائل مهم حقوقی و نیز فرهنگ سیاسی اسلام، تعینی شدن مشروعيت حکومت و نیز چگونگی تحقق آن در جامعه اسلامی است.

نکته ای که در ابتدای امر مهم می نماید، معنا و مفهوم کلمه مشروعيت است، چرا که تکلم پیرامون واژه ای با عدم احاطه به معنا و مفهوم آن، امری غیر علمی و غیر منطبق بر اصول ساختار یابانی است و معلوم است که مفید نتیجه مطلوب نخواهد بود. از این رو می گوییم گاهی از مشروعيت، مقبولیت عمومی اراده می شود، چنان که در حوزه جامعه شناسی سیاسی، مشروعيت، پذیرایی عموم توام با رضایت از یک حکومت تفسیر می گردد. گاهی هم به معنای قانونی بودن و حقانیت مورد بحث و نظر قرار می گیرد. چنان که در فلسفه کلام و حقوق سیاسی چنین بار معنایی را دارد. نکته مهم آن که در اندیشه سیاسی اسلام، دو رویکرد فوق از مشروعيت یعنی مقبولیت عمومی و حقانیت حکومت، مورد توجه واقع شده است، یعنی در حکومت دینی، مشروعيت به معنای حقانیت و مردمی نسبت به حکومت، امری معقول و غیر قابل انکار انگاشته شده است، اما مشروعيت به معنای حقانیت و شرعی بودن حکومت در سایه استناد به خدا تحقق می یابد. از این رو، مشروعيت ساز بودن مردم نسبت به یک حکومت، به معنای عینیت بخشیدن به آن، امری مقبول است، اما مشروعيت به معنای الهی بودن آن، منوط به استناد به حضرت احادیث می باشد.

در عین حال برخی مدعی هستند که «امام خمینی (ره) رای مردم را از عوامل مشروعيت نظام می دانستند». [۱] برای بررسی این ادعا به بعضی از کلمات گهربار حضرت امام (ره) در خصوص جایگاه مردم در حکومت اسلامی و نیز در باب این که ملاک مشروعيت نظام، الهی بودن آن است، توجه می کنیم. ایشان در مصاحبه با مجله آلمانی «اشپیگل» در خصوص تعیین نظام سیاسی با آرای خود مردم، می فرمایند: «تعیین نظام سیاسی، با آرای خود مردم خواهد بود». [۲] و یا در باب احترام به آرای عمومی دارند که: «در جمهوری اسلامی، زمامداران مردم نمی توانند با سوء استفاده از مقام، ثروت اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قایل شوند.. دقیقاً باید به آرای عمومی در همه جا احترام بگذارند». [۳] و نیز در باب برقراری حکومت با پشتونه مردم در مصاحبه پروفسور الگار «آمریکایی» با امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۷/۱۰/۷ این چنین می فرمایند: «پشتونه یک حکومتی، ملت است، اگر یک ملتی، پشتونه حکومت نباشد، این حکومت نمی تواند درست بشود، این نمی تواند برقرار باشد». [۴]

همچنین در باب تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت با آرای اکثربت، از ایشان سوال شد که در چه صورت فقیه جامع الشرایط بر جامعه اسلامی ولايت دارد؟ در جواب فرمودند: «ولايت در جميع صور دارد، لكن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثربت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعییر می شده به بیعت با ولی مسلمین.» [۵]

نیز در باب عدم جواز تخلف از حکم ملت، در بیانات خود در جمع اعضای هیأت بررسی کننده جنگ تحملی، چنین فرمودند: «این جا آرای ملت حکومت می کند، این جا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگان ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد.» [۶]

همچنین در باب همراهی توده های مردمی در برقراری حکومت چنین ابراز می کنند: «اگر همراهی این توده های محروم نبود، حکومت نمی توانست برقرار باشد.» [۷] و نیز در خصوص نقش مردم در حفظ و تداوم جمهوری اسلامی می فرمایند: «و بالاخره ما مردم را لازم داریم، یعنی جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می خواهد. این مردم اند که این جمهوری را به این جا رسانند و این مردم اند که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر.» [۸]

از طرفی در باب الهی بودن مشروعيت نظام و این که مشروعيت حکومت اسلامی به استناد به حضرت احادیث و اذن اوست، مطالب گرانمایه ایشان (ره) در کتب و سخنان ایشان مضبوط است که اختصاراً به بعضی از آنها اشاره می شود. حضرت امام (ره) در باب اثبات ولايت فقیه و این که حکم ولايت فقیه از جانب خداوند تعالی است، در ذیل قول حضرت صاحب الامر (عج) «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا الى رواه حديثنا فانهم حجتى عليكم وانا حجه الله» می فرمایند: «يستفاد من قوله - عليه السلام - «انا حجه الله و هم حجتى عليكم» هذا يرجع الى جعل الهى له - عليه السلام - و جعل من قبله للفقهاء» [۹] یعنی از کلام امام معصوم - عليه السلام - که فرمود: من حجت خدا هستم و فقهاء حجت من بر شمایند، استفاده می شود که مراد امام - عليه السلام - آن است که آنچه از مقام ولايت از جانب خدا برای من ثابت است، از جانب من نیز برای فقهاء ثابت است و معلوم است که ثبوت چنین امری راجع به این است که خداوند این مقام را برای امام - عليه السلام - جعل کرد و او از جانب خدا منصوب است و امام نیز آن مقام را برای فقهاء جعل کرده است. و یا در استشهاد بر مقبوله عمر بن حنظله می فرمایند: «از قول امام - عليه السلام - که فرموده است: «فانی قد جعلته حاكماً» استفاده می شود که ایشان مقام حکومت را برای فقیه جعل می کند.» [۱۰] و یا آنجا که در بیان ولايت مطلقه فقیه می فرمایند: «اگر فرد لا یقی که دارای این دو خصلت آگاهی به قانون الهی و عدالت باشد، به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در امر اداره جامعه داشت دارا می باشد و بر همه مردم لازم است که از او

اطاعت کنند.»<sup>[۱۱]</sup> پس مشروعيت حکومت اسلامی به جهت استناد آن به ذات حضرت احادیث است، چرا که او مالک و خالق انسان است، لذاست که حکومت نیز مختص اوست و حکومت انبیاء و اولیاء و فقهاء زمانی مشروع است که به اذن او و جعل این منصب برای آنها از طرف او باشد. این است اعتقاد معمار انقلاب در خصوص جایگاه مردمی و مشروعيت نظام اسلامی.

#### پاورقی ها:

- [۱]. روزنامه ایران مورخ ۸۰/۳/۱۳، مجید انصاری
- [۲]. صحیفه نور، ج ۳، ص ۵۲.
- [۳]. همان، ج ۲، ص ۲۸۰.
- [۴]. همان، ج ۱۱، ص ۱۳۰.
- [۵]. جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۹.
- [۶]. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۰۹.
- [۷]. همان، ج ۱۶، ص ۷۱.
- [۸]. همان، ج ۱۹. ص ۳۱.
- [۹]. کتاب بیع، حضرت امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۴۷۴.
- [۱۰]. همان، ص ۴۷۹.
- [۱۱]. ر.ک: حکومت اسلامی، امام خمینی (ره)، ص ۵۵.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شباهت حوزه‌های علمیه